

بسمه تعالی

تقدیم به روح پاک شهیدان اسلام و تمامی نیک سرشتان تاریخ بشریت

مجموعه حاضر مشتمل بر بیش از 1400 لغت انگلیسی و معادل فارسی آنها می باشد. لغات گردآوری شده علاوه بر 504 لغت معروف انتشارات Oxford در برگرفته برخی از مهمترین لغات کاربردی است که برای آمادگی امتحانات TOFEL-IETLS و غیره بسیار مفید می باشد. یقیناً یادگیری زبان انگلیسی با هر کاربردی که مورد نظر باشد در یادگیری لغت خلاصه نمی شود اما برای کسانی که در مسیر آموزش قرار گرفته اند دانستن لغات ضروری و کاربردی با توجه به وجود هزاران لغت در هر زبانی بسیار حایز اهمیت است. در گرد آوری این مجموعه تلاش بسیار شده تا از میان معانی متعدد لغات آنهایی که بیشترین کاربرد را در متون رسمی و گاه غیر رسمی انگلیسی دارند انتخاب گردند. کسانی که به هر نحوی آشنایی با زبان انگلیسی دارند تصدیق خواهند فرمود که یادگیری و یا مرور مجدد مجموعه گردآوری شده که شامل دامنه مفیدی از لغات آسان تا مشکل به تعبیر عامیانه آن می باشد برای عموم اقشار در سطح ارتباطات رسمی، متون دانشگاهی، روزنامه ها و مجلات بسیار ارزشمند و تا حدود زیادی مکفی خواهد بود. علی رغم وجود لغات تخصصی در زمینه های مختلف ساختار اصلی تمامی متون تا حدود زیادی در برگرفته مجموعه لغات گردآوری شده می باشد. در این مجموعه در بسیاری موارد که احتمال اشتباه وجود دارد حروف اضافه مختص برخی از فعلها همراه لغات آورده شده است ضمن اینکه لغات به گونه ای معنی شده اند که بشود آنها را به همان شکل در جملات استفاده کرد که اغلب معضلی مهمی محسوب می شود. یقیناً اشکالات و ایراداتی در این مجموعه وجود دارد که من پیشاپیش از همه عزیزان و بویژه متخصصین زبان انگلیسی عذر خواهی می کنم. گرد آوری این مجموعه برای هیچ هدف انتفاعی انجام نشده و زمینه فعالیت تخصصی اینجانب نیز هیچ ارتباطی به آموزش زبان انگلیسی ندارد. از همه عزیزان دریافت کننده استدعا دارم آنرا برای دوستان و آشنایان ارسال فرمایند باشد که مقبول درگاه احدیت افتد. با توجه به حلول ماه مبارک رمضان و توفیق درک مجدد این ماه عزیز از همه عزیزانی که مجموعه به دستشان می رسد التماس دعا داشته و عاجزانه تمنای نثار فاتحه ای به ارواح جمیع رفتگان از این دنیا را دارم.

حجت شیرى - استرالیای غربی 25, September, 2006

A

رها کردن Abandon	زیبا شناختی Aesthetic	اصلاح کردن Amend
پایبند بودن Abide	مبتلا کردن- رنجور کردن Afflict	تسهیلات- تسهیلات عمومی Amenity
منسوخ کردن Abolish	استطاعت داشتن Afford	بی شکل Amorphous
مملو بودن از Abound with	در استطاعت کسی بودن (Be affordable for)	در میان- در زمره Among
خارج از کشور- گسترده Abroad	بدتر کردن- حال کسی را گرفتن Aggravate	در میان - در زمره Amongst
تمایل به غیبت از کار Absenteeism	مریضی- ناخوشی Ailment	مقایسه Analogy
جذب کردن Absorb	کیمیاگر Alchemist	حکایت- مثل Anecdote
مسخره- دور از عقل- مضحك Absurd	جلبك- خزه دریایی Algae	رنجاندن- موجب آزار کسی شدن Annoy
فراوان - وافر Abundant	بیگانه کردن Alienate	سالیانه Annual
سو استفاده کردن - استفاده غلط کردن Abuse	بیگانگی- از خود بیگانگی Alienation	انتظار داشتن Anticipate
همراهی کردن Accompany	غذا- رزق- غذا دادن- قوت دادن Aliment	پادزهر Antidote
به انجام رساندن Accomplish	ادعا کردن بدون مدرک Allege	مردم شناسی Anthropology
متهم کردن - تهمت زدن Accuse	ادعا Allegation	به سرعت- به تندي Apace
دقیق Accurate	اختصاص دادن Allocate	معذرت خواستن Apologize
اعلام وصول- قدردانی کردن Acknowledge	رسوبی- آبرفتی Alluvial	عذر خواهی - معذرت Apology
بدست آوردن (همه چیز) Acquire	قادر مطلق Almighty	بوزینه- میمون انسان نما Ape
اکتسابی Acquired	درخت بادام- بادام Almond	از هیجان دیوانه وار رفتار کردن (Go ape)
آشنایی Acquaintance	تغییر دادن - تغییر یافتن Alter	جذبه - درخواست Appeal
جریب- 4047 متر مربع Acre	یکی در میان- متناوب (کردن) Alternate	تعیین کردن - منصوب کردن Appoint
خو دادن - خو گرفتن - اعتیاد Addict	ارتفاع (از سطح دریا)- مقام رفیع Altitude	نزدیک شدن - رویکرد Approach
کافی Adequate	تماما - یکسره Altogether	مناسب- اختصاص دادن Appropriate
نوجوان Adolescent	غیر حرفه ای Amateur	قابل کشت- زراعی Arable
تبلیغات Advert	شگفت زده کردن Amaze	معمار Architect
حمایت کردن- حامی- وکیل مدافع Advocate	شگفت انگیز Amazing	استدلال کردن Argue
قید Adverb	مبهم- دوپهلو Ambiguous	استدلال - اثبات Argument
تحسین کردن Admire	جاه طلب- بلند پرواز Ambitious	دست ساز- مصنوعی Artifact
تبلیغ کردن - آگهی دادن Advertise	بلند پروازی Ambition	مصنوعی Artificial
هوا دهی روی ماده ای Aeration	کمین - کمین کردن Ambush	شمرده سخن گفتن Articulate

Arthritis - ورم مفاصل- آرتروز  
 Arrest - توقیف کردن - بازداشت کردن  
 Aspirations - آمال و آرزوها- آرمانها  
 Assemble - سرهم کردن - مونتاژ کردن  
 Assert - تصریح کردن- محکم اعلام کردن  
 Assimilation - هضم- جذب (غذا- مطلب...)  
 Assort - طبقه بندی کردن- جورها را جدا کردن  
 Assume - فرض کردن  
 Assumption - فرض- پندار  
 Astronaut - فضا نورد  
 Asymmetry - عدم تقارن  
 Asymmetric - نامتقارن- نا موزون  
 Attract - جذب کردن  
 Attitude - نگرش - طرز فکر  
 Attribute - نسبت دادن- ویژگی  
 Audacious - بی باک- بی باکانه  
 Audible - شنیداری  
 Authentic - معنبر- اصیل- موثق  
 (Inauthentic - غیر موثق)  
 Authenticated - قانونی- معتبر  
 Authority - توانایی و اختیار  
 Autumn - پاییز  
 Avoid - اجتناب کردن  
 Aware - مطلع - آگاه  
 Awesome - پرابهت  
 Awkward - ناشی  
 Aztec - سرخپوست

## B

Bachelor - مجرد - لیسانسیه  
 Backbone - ستون فقرات- پایه و ستون اصلی  
 Baffle - گیج شدن  
 Baggage - چمدان- باروبنه  
 Bait - طعمه - طعمه دادن  
 Ballot - برگه رای  
 Ban - قدغن کردن  
 Banal - پیش پا افتاده - معمولی  
 Bangle - انگو  
 Bungalow - خانه ویلایی يك طبقه - تکسرا  
 Bargain - معامله شیرین- معامله  
 Bark - پارس کردن- پارس- پوست درخت  
 Barrage - رگبار (هر چیزی)  
 Barrier - مانع- حصار  
 Bear - حمل کردن- تاب آوردن- خرس  
 Bearing - جهت - راستا- تکیه گاه  
 Beau - مرد شیکپوش زنباز- دوست پسر  
 Beckon - اشاره - اشاره کردن  
 Beetle - سوسک  
 Belief - اعتقاد - عقیده  
 Beneficiary - ذینفع - بهره بردار  
 Bespectacled - عینکی

Betray - خیانت کردن  
 Bewildered - گیج و مبهور  
 Beyond - در وړای- آنسوی  
 Bigamy - دوزنی \_ دو شوهری  
 Biography - زندگینامه  
 Bitter - تلخ  
 Bizarre - عجیب غریب- نا مانوس  
 Blade - تیغ- تیغه  
 Blend - مخلوط - مخلوط کردن  
 Bloom - شکوفه کردن- گل دادن- شکوفا شدن  
 Blueprint - طرح کلی- نقشه  
 Blunder - اشتباه بزرگ کردن  
 Blur - تار- تار کردن- مبهم کردن  
 Bold - بی باک- شجاع- گستاخ (منفی)  
 Bolster - بالش- تقویت کردن  
 Bonanza - ثروت باد آورده- رونق فوری  
 Borrow - قرض کردن- امانت گرفتن  
 Border - مرز- حصار- هم مرز بودن  
 Bother - اذیت کردن- دردرس- گرفتاری  
 Boulder - تخته سنگ  
 Brawl - داد و بیداد کردن - دادوپیاد  
 Breakneck - طاقت فرسا- کمرشکن  
 Breed - پروردن- زاد و ولد کردن  
 Brewery - مشروب سازی  
 Briskly - به تندي- سریع- با چابکی  
 Broad - پهن- گسترده  
 Brunt - لطمه- بار- فشار- ضربه  
 (Bears the brunt of, takes the brunt of)  
 لطمه دیدن از- فشار چیزی را تحمل کردن  
 Brutal - وحشیانه  
 Budget - بودجه  
 Bug - اشکال- گیر- حشره موزی- ساس  
 Bulky - بزرگ - حجیم  
 Bullet - گلوله  
 (Bite the bullet - فائق آمدن)  
 Burden - چیز سنگین - بار مسئولیت  
 Surgeon - جوانه زدن- سریع رشد کردن  
 Burrow - نقب - زیر زمین لانه کردن  
 Buzzword - کلمه باب شده روز تو دهن ها

## C

Calamity - فاجعه  
 Calculate - محاسبه کردن  
 Campaign - عملیات کردن  
 Campus - مجتمع  
 Candidate - کاندیدا  
 Cannon - توپ- جنگ افزار  
 Capacity - ظرفیت  
 Capsule - کپسول - محفظه  
 Captive - اسیر - به دام افتاده  
 Capture - گرفتن- ضبط کردن- اسیر کردن

Cardiovascular - وابسته به قلب و عروق  
 Carousel - گردونه- چرخ فلک  
 Casual - اتفاقی  
 Casualty - صدمه - تلفات  
 Catastrophe - فاجعه- بلا  
 Cater - پذیرایی کردن  
 Cattle - گله گاو  
 Caucasian - سفید پوست- قفقازی  
 Cautious - محتاط  
 Cease - متوقف شدن - متوقف کردن  
 Censor - حس گر  
 Censure - سرزنش- انتقاد- سرزنش کردن  
 Century - قرن  
 Cervical - دهانه رحم  
 Challenge - تلاش شدید کردن - چالش  
 Charity - صدقه- بنگاه خیریه- دستگیری کردن  
 Chink - درز- شکاف- جرینگ جرینگ کردن  
 Chimney - دودکش - لوله بخاری  
 Chip - لب پر- خورد شده- لب پر کردن  
 Chiropractor - ماساژور  
 Cinema - سینما  
 Circulate - به جریان انداختن  
 Cite - استناد کردن- ذکر کردن  
 Civilian - غیر نظامی  
 Clarity - شفافیت- صافی- وضوح (هر چیزی)  
 Clergy - آخوند- روحانی  
 Client - کارفرما - موکل  
 Clot - لخته- لخته شدن  
 Clue - کلید- راهنما- سرنخ- کلاف کردن  
 Cluster - خوشه- خوشه ای  
 Clutch - چنگ- چنگ زدن- محکم گرفتن- کلاچ  
 Charcoal - زغال چوب  
 Cheat - فریب دادن- تقلب کردن  
 Coal - زغال سنگ  
 Coarse - زبر- خشن  
 Coeducational - نیمه دانشگاهی-مدرسه مختلط  
 Coexist - همزیستی مسالمت آمیز کردن  
 Coincide - انطباق داشتن - مصادف شدن  
 Coincidence - انطباق  
 Collapse - فرو ریختن - وارفتن  
 Colleague - همکار  
 Collide - تصادم کردن - تصادم  
 Colony - مستعمره- مهاجر نشین- گروه مهاجر  
 Combustion - احتراق  
 Commence - شروع کردن  
 Commerce - تجارت کردن  
 Commodity - کالا- کالای اساسی  
 Commuter - کسی که برای کارش سفر میکند  
 Community - اجتماع- جامعه کوچک  
 Companion - همراه (شی و شخص)  
 Company - شرکت - همراهی کردن  
 Compatriot - هم وطن

مجبور کردن Compel  
مختصر - اختصار Compendium  
رقابت کردن Compete  
همگردانی کردن Compile  
خوش خیال Complacent  
شکایت کردن - غرولند کردن Complain  
تعریف - تحسین کردن Compliment  
تعریف آمیز - بلیط افتخاری Complimentary  
تکمیلی - مکمل Complementary  
مطابق بودن با Comply with  
دریافتن - فهمیدن Comprehend  
کامل - جامع Comprehensive  
شامل بودن - دربر داشتن Comprise  
شامل Comprising  
سازش و مصالحه کردن Compromise  
(سازش ناپذیر - مصمم Uncompromising)  
پنهان کردن Conceal  
نتیجه گیری کردن Conclude  
مفهوم Concept  
محکوم کردن Condemn  
تسلیت Condolence  
مطمئن Confident  
شکل دادن Configure  
محبوس کردن - منحصر کردن Confine  
تایید کردن Confirm  
تعارض - تعارض داشتن Conflict  
مواجه شدن (کردن) - رو در رو شدن Confront  
تجمع - ازدحام - گرفتگی Congestion  
بحث انگیز - جدلی (هرچیزی) Controversial  
رضایت - رضایت دادن Consent  
ملاحظه کردن - در نظر داشتن Consider  
دلداري دادن - تسلي دادن Console  
دلداري - تسلي Consolation  
تاسیس کردن - بر پا کردن Constitute  
قانون اساسی Constitution  
مسری - واگیردار Contagious  
همزمان - معاصر Contemporary  
قرارداد - قرارداد بستن - مبتلا شدن به Contract  
تناقض - مغایرت Contradiction  
برخلاف Contrary to  
همیاری کردن Contribute  
طرح ریزی کردن Contrive  
ساختگی Contrived  
بحث بر انگیز - جدل انگیز Controversial  
قرارداد - عهدنامه Convention  
عرفی - متداول - قراردادی Conventional  
بردن - حمل کردن Convey  
تبدیل کردن - تغییر دین دادن Convert  
مجرم شناختن - محکوم کردن - مجرم Convict  
محدب - کوژ Convex  
مقعر - کاو Concave  
مصرف کردن - صرف کردن Consume

نزاع - درگیری - مشاجره Contention  
(دلیل درگیری Bone of contention)  
(عقیده - نظر One's contention)  
همگرایی - تقارب Convergence  
قایق پوستی - کرجی Coracle  
ریسمان - سیم Cord  
تعاونی - شرکت Corporate  
جسد - نعش - لاشه Corpse  
مجموعه ای از نوشته جات Corpus  
جهان شهری - جهانی Cosmopolitan  
جرات Courage  
(جرات داشتن Having courage)  
(چطور جرات میکنی... How dare you)  
(به حالت اعتراض و عصبانیت)  
محصول کشاورزی - محصول دادن Crop  
حیله گر - حیله گرانه Crafty  
معلول - فلج - فلج کردن Cripple  
انتقاد کردن Criticize  
حیاتی - بسیار مهم Crucial  
مقصر - مجرم Culprit  
زراعت کردن در - اشاعه دادن Cultivate  
شفابخش Curative  
کنجکاو - عجیب و نادر Curious  
کنجکاوی Curiosity  
مرسوم Customary  
کیست مانند - توموری Cystic

**D**

داده - اطلاعات Data  
لعنت - لعنت کردن Damn  
گیج گردن - مبهوت کردن Daze  
در حالت گیجی بودن (Being in a daze)  
بحث کردن - بحث - مناظره Debate  
مقروض - بدهکار Debtor  
دهه Decade  
پوسیدن - پوسیدگی - از هم پاشیدن Decay  
مرگ - مردن - درگذشتن Decease  
فریب دادن Deceive  
کشف رمز کردن Decipher  
تنزل کردن - به پایان نزدیک شدن Decline  
نپذیرفتن  
(متمایل کردن یا شدن - شیب - کج کردن Incline)  
از هم پاشیدن - تجزیه کردن Decompose  
کاهش دادن Decrease  
شکست دادن - شکست - مغلوب ساختن Defeat  
(شکست خوردن To be defeated)  
عیب - ایراد Defect  
بی اعتنا Defiant  
کلاهبرداری کردن Defraud  
غمگین Dejected  
عمدی - سنجیده - تعمق کردن Deliberate

بزهکار Delinquent  
بزهکاری Delinquency  
خواستار شدن Demand  
تخریب کردن - ویران کردن Demolish  
متهم کردن (عمومی) Denounce  
متراکم - فشرده - غلیظ Dense  
ترک کردن - راهی شدن Depart  
ترسیم کردن چیزی - شرح دادن Depict  
به ته رساندن در اثر مصرف Deplete  
تحلیل منابع مصرفی Depletion  
محروم کردن (نه مثل مجازات) Deprive  
سپرده گذاشتن - سپرده  
رسوب کردن - ته نشین شدن Deposit  
پایین آمدن - تنزل کردن Descend  
شایستگی داشتن Deserve  
علی رغم Despite  
سرنوشت Destiny  
پیدا کردن - یافتن - نمایان کردن Detect  
بازداشتن - بر حذر داشتن Deter  
تنفر داشتن Detest  
مسیر انحرافی Detour  
کاستن از Detract from  
مضر - زیان آور Detrimental  
(به زیان کسی To one's detriment)  
ویران کردن Devastate  
برنامه ریزی کردن - تعبیه کردن Devise  
با ولع خوردن Devour  
اختصاص دادن Devote  
لهجه - گویش Dialect  
مناظره ای - منطقی - جدلی Dialectic  
کنندن - حفر کردن (گذشته dug) Dig  
وضع پیچیده - سر دوراهی Dilemma  
تقلیل یافتن - تنزل کردن Diminish  
نزولی Diminishing  
فروبردن - رنگرزی کردن Dip  
فاجعه - بلا Disaster  
افشاء گری Disclosure  
محتاط - با خرد - محتاطانه Discreet  
تبعیض قائل شدن Discriminate  
با علامت مشخصه جدا کردن  
تبعیض - تبعیض نژادی Discrimination  
منزجر کننده Disgusting  
بیماری - مرض - مریض کردن Disease  
توهم زدایی - آرمان زدایی Disillusionment  
باز کردن کامل قطعات مونتاژ شده Dismantle  
مرخص کردن - معاف کردن Dismiss  
بی نظمی Disorder  
فرستادن - گسیل کردن Dispatch  
توزیع کردن - بخشیدن Dispense  
مختل کننده - مخل آسایش Disruptive  
انتشار دادن - پخش کردن Disseminate  
رساله - پایان نامه Dissertation

Disserve بد خدمت کردن  
Distinct متمایز - کاملاً جدا- شفاف  
Distint متمایز بودن از (Be distinct from)  
Distinctive شاخص- متمایز- نمایانگر  
Distort واپیچاندن- تحریف کردن  
Discard دور انداختن- متروک ساختن  
Disclose فاش کردن - افشا کردن  
Dismal ملال انگیز- افسرده کننده  
Dismiss مرخص کردن- معاف کردن  
Dispute اختلاف - روی اختلاف بحث کردن  
Disrupt مختل کردن  
Distress پریشانی- اضطراب - ناراحتی شدید  
Divine الهی- خدایی- استنباط کردن  
Document مدارک  
Dominance غلبه- تسلط  
Dominant غالب- برتر  
Donate اهدا کردن- صدقه دادن- بخشیدن  
Doubt شک- تردید  
Drastic موثر- جدی - شدید  
Dread ترسیدن - ترس  
Drench خیساندن- آب دادن  
Drought خشکسالی  
Dubious مشکوک- مبهم- نامعلوم  
مطمئن نبودن از (Being dubious about)  
مشکوک بودن به  
Duplicate نسخه کپی- المثنی-چند برابر کردن  
Dwell اقامت کردن- سکنی گزیدن  
Dwindle تحلیل رفتن- تدریجاً کم شدن  
Dystrophy رشد ناقص

## E

Economical اقتصادی  
Editor ویراستار  
Eke out افزودن به درآمد- امتداد دادن  
Elaborate استادانه درست کردن  
دقیق شرح دادن- استادانه و بزمحت درست شده  
Elaboration پیچیدگی و ظرافت  
Elevate بالابردن (اجسام و موقعیت)  
Eliminate حذف کردن  
Eligible حائز شرایط  
Elite نخبه - برگزیده - برگزیدن - سرآمدن  
Embarrassed شرمسار- خجالتی  
Embark on سوار کشتی شدن  
آغاز به کاری کردن- مبادرت ورزیدن به  
Embrace در آغوش کشیدن (هر چیزی)- شامل بودن  
Embryo جنین قبل از هشت هفته  
(جنین بیش از هشت هفته fetus)  
Emergence نمایان شدن - پدیدار شدن  
Emission انتشار- صدور- ساتع شدن  
Emit ساتع کردن- بیرون دادن- منتشر کردن

Empire امپراتوری  
Employee کارمند - استخدام شونده  
Encourage تشویق کردن- ترغیب کردن  
Endanger به خطر انداختن  
Endure تحمل کردن- با شرایط بد ساختن  
ارتقاء دادن- بهبود بخشیدن  
Enhance تاب آوردن - بقا داشتن  
Endure بزرگ (هر چیزی) - عظیم  
Enormous ثروتمند کردن- غنی کردن  
Enrich در پی داشتن- مستلزم بودن  
Entail حشره شناسی  
Entomology حسادت - حسادت کردن  
Envy حسود  
Envious پرسش  
Enquiry همه گیر  
Epidemic Epitomize  
متجلی کردن- نمونه بارز چیزی بودن  
انصاف- قاعده حقوقی انصاف  
Equity ضروری  
Essential استقرار- موسسه  
Establishment ملک- املاک- دارایی- وضعیت  
Estate برآورد کردن  
Estimate اخلاقی  
Ethical قوم نگاری- مطالعه نژادها  
Ethnography علم دستیابی به ژن برتر  
Eugenics طفره رفتن- از دست دشمن گریختن  
Evade مناسبت  
Event نهایتاً  
Eventually گواه - مدرک  
Evidence شهادت دادن (Giving evidence)  
شاهد بودن (Being in evidence)  
تکامل تدریجی  
Evolution تکامل یافتن  
Evolve بدتر کردن  
Exacerbate غلو کردن  
Exaggerate برتری داشتن  
Excel بیش از حد- خیلی زیاد  
Excessive از تعجب فریاد زدن  
Exclaim با صدای بلند اعلان کردن  
Exempt معاف کردن  
Exempt خسته کردن - از پا در آوردن  
Exhaust تمام کردن (در اثر مصرف)  
اگزوز- دود اگزوز  
بطور کامل در مورد چیزی بحث کردن  
به نمایش گذاشتن - ارائه کردن  
Exhibit منبسط کردن - بسط دادن  
Expand گرانقیمت  
Expensive آشکار- صریح و بی پرده  
Explicit استثمار کردن  
Exploit بهره برداری کردن- شاهکار

Explore کشف کردن - کاوش کردن  
Expose در معرض قرار دادن  
Expose نمایانی- سرمازدگی  
Exposure گراف- گران نامعقول  
Exorbitant منقرض کردن  
Exterminate منقرض- معدوم- خاموش  
Extinct ستودن- تحسین کردن  
Extol عصاره - از عصاره استخراج کردن  
Extract فوق العاده (به معنی اضافی)  
Extraordinary فوق العاده (به معنی شگفت آور)  
Extravagance افراط- زیاده روی

## F

Fallow زمین آیش که زیر کشت نیست  
Famine خشکسالی - قحطی  
Fail شکست خوردن- کم آوردن  
Faith ایمان  
Façade نما- ظاهر- روکار  
Fascinate مجذوب کردن- افسون کردن  
Fascinating فریبنده- سحرآمیز- دلکش  
Fashion مد- سبک- ساختن  
(مد شدن Come into fashion)  
Fate سرنوشت  
Feather پر- پر پرنده  
Feather (به شدت تنبیه کردن tar and feather)  
(Feather one's nest)  
همه اش به فکر خود بودن  
(کار کولاک- شاهکار Feather in one's cap)  
ضعیف (هر چیزی کسی حرفی عملی)  
Feeble زنانه  
Feminine حاصلخیز - بارور  
Fertile بارور کردن- باردار کردن-کود دادن  
Fertilize دمدمی مزاج  
Fickle افسانه  
Fiction خشم آلود- شدید (هر چیزی)  
Fierce شکل - ژست  
Figure فهمیدن - دریافتن  
Figure out مطمئن بودن درباره  
Figure on نهایی  
Final سرمایه- تامین مالی کردن  
Finance مالی  
Financial شعله - زبانه آتش  
Flame قابل اشتعال  
Flammable عیب- نقص- معیوب کردن  
Flaw گریختن - فرار کردن  
Flee (Fled) انعطاف پذیر (هر چیزی)  
Flexible چخماق  
Flint گیاهان و جانوران  
Flora & Fauna نوسان کردن  
Fluctuate تا کردن  
Fold دماغه  
Foreland



Forever تا ابد- براي هميشه  
 Forbid قذغن کردن- حرام کردن  
 Forestry جنگل داري  
 Formidable عظيم انگيز- دشوار- اعجاب  
 Fortunate خوش شانس  
 Formal رسمي  
 Foul متعفن- خطا  
 Foul up  
 با اشتباه احمقانه همه کار را خراب کردن  
 Fragile شکننده (هرچيزي مثلا اقتصاد)  
 Fragrant خوشبو- معطر  
 Frank رك - بي پرده  
 Fraud فریب- حيله- كلاهبرداری  
 Frequent مکرر- دائما به جايي تردد کردن  
 (بدون حرف اضافه در جمله)  
 Frigid منجمد- سرد- سرد مزاج  
 Frown on اخم کردن به  
 (Be frowned on)  
 مورد تاييد عموم قرار نگرفتن- رد شدن عمومي  
 Fugitive فراري- پناهنده (اسم)  
 Funeral تشييع جنازه  
 Fuel سوخت- سوخت گيري کرد

## G

Gallant شجاع- متهور- ژيگول دخترکش  
 Gaze at خيره نگاه کردن به- زل زدن به  
 Gene ژن  
 Generous سخاوتمند- بخشنده  
 Genuine اصیل- خالص- موثق- درست  
 Genome کروموزمها- ژنوم  
 Genius نابغه- نبوغ  
 (Ingenuous) مبتکر- خلاق  
 Giant غول پیکر- عظيم الجثه  
 Glance نظر اجمالي- نظر اجمالي کردن  
 Glacial یخ رفت- یخي  
 Gleam درخشیدن- برق زدن- نور ضعیف  
 Glimpse نظر اجمالي- به يك نگاه دیدن  
 Gloomy تاریک- گرفته- غمگین- غم آور  
 Glow گداختن- از حرارت قرمز شدن  
 Gorgeous مجلل- جلوه دار  
 Graceful برازنده- متین  
 Gradual تدریجي  
 Grail جام- جام شراب  
 Grateful ممنون- سپاس گذار  
 Grass علف- چمن  
 Grenade نارنجك  
 Grove بیشه- باغستان  
 (Hearing something over grove)  
 از این و آن شنیدن (حرف غیر مستند)  
 Guide راهنما- راهنمائي کردن  
 Guilty خطاکار- مجرم

Gullible ساده لوح- زود باور

## H

Habit عادت- زندگي کردن  
 (Being in the habit of عادت داشتن به)  
 (Make a habit of عادت داشتن به)  
 (Get into habit عادت داشتن به)  
 (Kick the habit ترک عادت بد کردن)  
 Habitat محل زندگي- زیستگاه  
 Halt متوقف کردن- ایستادن  
 (Grind to a halt آرام متوقف کردن)  
 Haphazard اتفاقي- بطور تصادفي  
 Hardship مشقت- سختي  
 Harmony توازن- هماهنگي  
 Harsh خشن (هر چيزي مثلا فکر- زمستان)  
 Harvest محصول- محصول برداشتن  
 Hasty عجولانه- عجل- شتابزده- دستپاچه  
 Haul کشان کشان بردن- فاصله حمل  
 Hazy مبهم (همه چي)  
 Heap انباشته- توده- توده کردن  
 Heavenly الهی- بهشتي- آسماني  
 Heed اعتنا – توجه- اعتنا کردن  
 (Take heed of اعتنا و توجه کردن به)  
 (Pay heed of اعتنا و توجه کردن به)  
 Heel پاشنه  
 (Bring to heel تحت کنترل در آوردن)  
 Heir وارث  
 Helix مارپیچ  
 Hemisphere نیمکره  
 Herbivore جانور گیاهخوار  
 (Carnivore جانور گوشتخوار)  
 Herdsman چوپان  
 Heritor وارث  
 (Inheritor وارث)  
 Hesitate مضایقه کردن  
 Hierarchy سلسله مراتب  
 Hinder مانع- ممانعت کردن  
 Hinterland پس کرانه  
 Hive کندو  
 به غیر واگذار کردن از طریق فروش  
 Holistic کل نگر- همه جانبه نگر  
 Homicide قتل  
 Horrid زشت و ناخوشایند  
 Horrible وحشتناک – اسفبار  
 Humble فروتن- متواضع- شکسته نفسي کردن  
 Humid مرطوب  
 Humorous بذله گو- فکاهی  
 Hunt شکار کردن- شکار  
 Hurricane توفان- گردباد  
 Hut کلبه  
 Hypothesis فرضیه

## I

Identify تشخیص دادن  
 Identical دقیقاً مشابه  
 Idiosyncratic واکنش فردي  
 Idle بیکار- وقت تلف کردن  
 Idol بت (خيلي ستوده)- بت (مجسمه خدا)  
 Ideal ایده ال – بي عيب و نقص  
 Idealistic آرمان گرایانه- غیر واقع بینانه  
 Ignite آتش زدن- مشتعل کردن  
 Ignore نادیده گرفتن- چشم پوشي کردن  
 Illegal غیر قانوني- نامشروع  
 Illegible نا خوانا  
 Illusion توهم- تصور باطل  
 Illustrate مصور ساختن- با مثال شرح دادن  
 Imitation تقلید- تقلبي  
 (Give imitation of تقلید کردن از)  
 Impartial بي طرف- ممتنع  
 Impede ممانعت کردن- باز داشتن  
 Implement انجام دادن- ابزار  
 Implicate پاي کسی را به کاري کشیدن  
 مستلزم چيزي بودن  
 Immense عظيم- پهناور- بیکران  
 Immune مصون – مصون کردن  
 Implication استلزام  
 Impoverish فقیر کردن  
 Impressive تحسین بر انگیز  
 Improve بهبود دادن- بهبود یافتن  
 Inaccurate غلط – نادرست  
 Incendiary آتشزا  
 Incentive انگیزه- مشوق- محرك  
 Incline متمایل کردن یا شدن- شیب- کج کردن  
 Inclusion شمول  
 Incorporate جاي دادن- ترکیب کردن  
 Indifference بي تفاوتی  
 Indigenous بومي- وابسته به يك محل خاص  
 Inedible غیر قابل خوردن  
 Inevitable اجتناب ناپذیر- حتمي  
 Inextricable نا گسستني – انفکاک ناپذیر  
 Infect مبتلا کردن- آلوده کردن- سرایت کردن  
 Infection سرایت- ابتلا  
 Inference نتیجه- استنتاج  
 Inferential استنتاجي  
 Inflammable قابل اشتعال  
 Inflict وارد آوردن تلفات و خسارات  
 ضربت زدن- تحمیل کردن  
 Influence تاثیر  
 Influential بانفوذ- کسی که خرس میره  
 Ingenious خلاق- مبتکر  
 Ingredient جزء ترکیبي چيزي  
 Inhabit سکني گزیدن- آباد کردن

Inhale استنشاق کردن- توي ريه کشيدن  
 Inherit ارث بردن  
 (Leave inheritance) به ارث گذاشتن  
 Inherited ارثي  
 Initiative قدرت عمل- ابتکار- پيشقدمي  
 Innate مادرزادي- ذاتي  
 Innocent بيگناه  
 Innovative ابتكاري  
 Insect حشره  
 Inspire الهام کردن- الهام کردن  
 Inspiration الهام  
 Install نصب کردن (چيزي)  
 (By) installments قسطي  
 Instance مثال- نمونه  
 Interfere دخالت کردن  
 Intrigue دسيسه چيدن- توطئه کردن- فريفتن  
 Invade مورد حمله و تاخت و تاز قرار دادن  
 Invader متجاوز  
 Invent اختراع کردن  
 Inventive خلاق - نو آور  
 Invest سرمايه گذاري کردن  
 Invite دعوت کردن  
 Invade مورد حمله و تاخت و تاز قرار دادن  
 Invisible نا مرئي  
 Insist پافشاري کردن- اصرار کردن  
 Insect حشره  
 Instep پاشنه  
 Inspire الهام بخشيدن  
 Instance مثال  
 Instant فوري- فوراً- لحظه  
 Instantaneous آني- لحظه اي  
 Insult توهين کردن- فحش دادن- توهين  
 Insultation توهين  
 Insulate جدا کردن- عايق کردن  
 Insularity انزوا- دور افتادگي  
 Insulation عايق کاري- جدائش  
 Intelligence هوش- اطلاعات  
 Intellectual عقلائي- فکري- ذهني  
 Intense شديد  
 Intensify تشديد کردن - تشديد کردن  
 Interrupt حرف يا کار کسي را قطع کردن  
 Intervene مداخله کردن  
 حرف يا کار کسي را قطع کردن  
 Intoxicated مست  
 Intuitive حسي- مبتني بر احساس دروني  
 Iris عنبیه  
 Irrevocable برگشت ناپذير- بلا تغيير- قطعي  
 Irrigate آبياري کردن  
 Irritate آزرده- رنجاندن- عصباني کردن  
 Irritation آزردهگي- رنجش

J

Jagged ناهموار- دندانه دار  
 Jar کوزه دهن گشاد- اثر نامطلوب گذاشتن  
 Jealous حسود  
 Jeopardize به خطر انداختن  
 Jest لطيفه- کنايه زدن  
 Jolly خوشحال  
 Jostle تنه زدن- هل دادن- تنه - هل  
 Journalist روزنامه نگار  
 Journey سفر- سفرکردن  
 Junior رده پايين- جوانتر از ديگران  
 Judge قضاوت- قضاوت کردن- قاضي  
 Justice عدالت  
 ناعادلانه (Unjust)  
 Justify توجيه کردن- دليل آوردن  
 Juvenile نوجوان

K

Keen تيز (هرچيزي چاقو شامه ذهن ...)  
 Keg بشكه كوچك  
 Kneel (knelt) زانو زدن  
 Kick لگد زدن- ضربه با پا- شوت کردن

L

Lack کمبود- کمبود  
 Lag behind عقب افتادن از  
 Larvae کرم حشره  
 Lava گدازه  
 Lawn محوطه چمن  
 Lecture سخنراني- سخنراني کردن- درس دادن  
 Legal قانوني - شرعي  
 Legend افسانه- شخصيت برجسته- علايم اختصار  
 Legible خوانا  
 Legislation وضع قانون- قانون گذاري  
 Legitimate مشروع  
 نامشروع - حرامزاده (Illegitimate)  
 Leisure وقت آزاد- فراغت  
 Lend قرض دادن- وام دادن- حمايت کردن  
 Leopard پلنگ  
 Lethal مهلك- كشنده  
 Lexicographer لغت نامه نويس  
 Liberation آزادي- برابر طلبی  
 Likelihood احتمال  
 Linger دير رفتن- بيشتر ماندن  
 Linguistic زبان شناختي  
 Lit light گذشته  
 Literacy دانش- سواد  
 Literally جدا"- حقيقتاً (در تاکيد چيزي)  
 Log هيژم- دفتر ثبت موقوف  
 Logical منطقي - استدلالی

Logic منطق- برهان- استدلال  
 Lottery بخت آزمائي  
 Loyalty صداقت - وفاداري  
 Lubricate روغن زدن- روانكاري کردن  
 Lunatic ديوانه  
 Lunar قمری- وابسته به ماه  
 Lung ریه

M

Magnify درشت کردن- بزرگنمائي کردن  
 Magnificent باشكوه- عالي- مجلل  
 Maim چلاق کردن- ناقص کردن (جاندار)  
 Maintain نگهداري کردن  
 Majesty اعليحضرت  
 Majestic با شكوه - با عظمت- باجاه و جلال  
 Magic جادو- سحر  
 Majority اكثريت- قسمت عمده  
 Manifestation مظهر- ظهور  
 Manipulate با مهارت كنترل کردن  
 Marsupial جانور كيسه دار  
 Marvelous شگفت انگيز  
 Masculine مردانه - مذکر  
 Massive بزرگ- حجيم- عظيم  
 Masquerade بالماسكه  
 Matrimony ازدواج- زناشويي  
 Mature بالغ- بالغ شدن- پخته کردن  
 Master ارشد  
 Maximum حداكثر  
 Meadow چمن زار- مرغ زار  
 Mediocre حدوسط- ميانه حال- معمولي  
 Melt گداختن- ذوب کردن- ذوب  
 Melt away تدريجا ناپديد شدن  
 Melt in one's mouth خوشمزه بودن  
 Menace تهديد کردن- تهديد كننده بودن  
 Merely فقط- تنها  
 Merit شايستگي- لياقت- شايسته بودن  
 Metropolis كلان شهر  
 Microcosm نمونه مشابه كوچك - خرد جهان  
 Microscope ميكروسكوپ  
 Migrate مهاجرت کردن  
 Migrant مهاجر  
 Migratory مهاجر  
 Miniature ريز  
 Minimum حداقل  
 Minimize به حد قل رساندن  
 Minority اقليت- قسمت كم  
 Miracle معجزه  
 Miserly خسيس  
 Miserable بدبخت- كسالت آور  
 Missile موشك- راکت  
 Misfortune بد شانس - بدبختي

Mole موش کور  
 Mold قارچ یا کپک گیاهی- قالب ریزی کردن  
 Molest تجاوز کردن (جنسی)- مزاحم شدن  
 Monarch پادشاه- سلطان  
 Monoculture تک کشتی- تک فراوری  
 Morality اخلاق- سیرت  
 Morgue سرد خانه مرده ها  
 Morsel لقمه غذا  
 Mortal فانی- کشنده- مرگبار  
 Motive به حرکت در آوردن  
 Motivation انگیزه  
 Mount کوه- صعود کردن- نصب کردن  
 Mourn سوگواری- سوگواری کردن  
 Muffle خفه کردن- خاموش کردن  
 ساکت کردن  
 Muffled کر شده  
 Multitude انبوه (هر چیزی) - گروه کثیر  
 Multiply ضرب کردن (عدد) - تکثیر کردن  
 Mumble من و من کردن- زیر لب گفتن  
 Mundane پیش پا افتاده- معمولی- دنیوی  
 Municipal شهری- مربوط به شهرداری  
 Municipality شهرداری  
 Mushroom قارچ- به سرعت رشد کردن  
 Mute لال-بی صدا- صدا را خفه کردن  
 Mythology اسطوره شناسی- افسانه شناسی  
 Myth داستان ساختگی- افسانه  
 N  
 Narcotic مخدر- ماده مخدر  
 Naive ساده لوح - خام و نپخته  
 Necro پشوند هر چیز مرده  
 Necrosis خونمردگی  
 Nectar شهد  
 Negative منفی  
 Neglect کوتاهی کردن- قصور  
 Negligence کوتاهی  
 Nest آشیانه- آشیانه کردن  
 (Feather one's nest)  
 همه اش به فکر منافع خود بودن  
 (Stir up a hornet's nest)  
 توده ای از مردم را عصبانی کردن  
 (Nest egg پول پس انداز شده)  
 Neutral بی طرف - خنثی  
 Nimble چالاک - طرو فرز  
 Nimble mind ذهن سریع الانتقال  
 Noble شریف - اصیل - نجیب- نجیب زاده  
 Nominate تعیین کردن کسی چیری به کاری  
 Nominal اسمی - صوری - ظاهری  
 Nonetheless با وجود این- با اینحال  
 Notion اندیشه- عقیده- تصور- خیال- فکر  
 Notoriety رسوایی - بد نامی  
 Nourish غذا دادن به کسی یا چیزی

Nourish a belief ترویج دادن یک اندیشه  
 Novel رمان - جدید  
 Nuance تفاوت ظریف  
 Nuke سلاح اتمی- حمله هسته ای کردن  
 Numb کرخت - بی حس - بی حس کردن  
 Numerous بی شمار - بسیار کثیر  
 Nuclear اتمی - هسته ای  
 Nutrient ماده مغزی به لحاظ ارزش غذایی  
 Nonsense بی ربط- مزخرف- خزعبلات-یاوه

## O

Oath قسم  
 (Take oath) قسم خوردن  
 Obese بسیار چاق (در حد مریضی)  
 Obesity مرض چاقی  
 Observant هوشیار - مراقب- معتقد مذهبی  
 Obey اطاعت کردن -  
 Obedient مطیع - فرمانبردار  
 To Oblige to وادار کردن به  
 To Oblige..by مدیون کردن با  
 Oblique مورب- پخ  
 Obstacle مانع - گیر  
 Obsessive وسواسی - عقده ای  
 Obtain بدست آوردن - احراز نمودن  
 Obtrusive خود نما  
 Obtrude خودنمایی کردن  
 Obedience اطاعت - فرمانبرداری  
 Obvious آشکار- مشهود  
 Occupants ساکنین - اشغال کنندگان  
 Occasionally گه گاه  
 Odor بو- شهرت  
 Odours بو - رایحه  
 Offspring اولاد- فرزند- تولد  
 Ooze هر مایع ویسکوز یا جاری شدن آن  
 Opaque مات- کدر (هر چیزی) مبهم  
 Ophthalmology چشم پزشکی  
 Opt for انتخاب کردن - برگزیدن  
 Opt out درگیر چیزی نشدن  
 Oppression ظلم - افسردگی  
 Oppressive کلافه کننده- طاقت فرسا - ظالم  
 Optimism خوش بینی  
 Oral شفاهی - زبانی  
 Outlaw  
 یاغی- مهدور الدم - ممنوع اعلام کردن  
 Outcrop رخنمون زمین شناختی  
 Out fall خروجی آب  
 (Fallout غبار اتمی بعد از انفجار هسته ای)  
 Owe بدهکار بودن به- مدیون بودن به  
 Owing to بدلیل

## P

Pace سرعت- گام- قدم زدن  
 Pacify آرام کردن - فرونشاندن  
 Pair جفت- دوتا  
 Pale کمرنگ- رنگ پریده  
 (Beyond the pale دور از انتظار)  
 Paleolithic عصر حجر- پارینه سنگی  
 Palm کف دست- خرما  
 Panic وحشت- هراس- به وحشت انداختن  
 (Push the panic button)  
 قلب کسی از ترس فرو ریختن  
 Parade رژه - جولان  
 Parole آزادی مشروط - عفو مشروط کردن  
 Partial پاره ای- جزئی  
 Partial علاقمند به - متمایل به  
 Pastry شیرینی و کلوچه  
 Pasture علف- چمن- چراگاه  
 Patent الگو- به ثبت رساندن-علنی اظهار کردن  
 Patriotic میهن پرست  
 Pauper فقیر- مفلس- بی نوا- گدا  
 Pear گلابی  
 Peasant کشاورز  
 Pedestrian پیاده- بیروح  
 Penalize جریمه کردن  
 Penetrate نفوذ کردن- رخنه کردن- سوراخ کردن  
 مستمري - حقوق بازنشستگی گرفتن  
 Pension (Be pensioned off) بار نشسته شدن  
 دریافتن- پی بردن  
 Perceive کوبش- ضربه  
 Percussion خطر جدی - در خطر بودن  
 Peril هلاک شدن- پوسیدن  
 Perish مزایای علاوه بر حقوق  
 Perk انرژي و نشاط دوباره پیدا کردن  
 Perk up نفوذ کردن- نشست کردن  
 Permeate اجازه دادن- مجوز- مجوز دادن  
 Permit جاودانه کردن- ابدی کردن  
 Perpetuate ابدی- جاودانه  
 Perpetual سردرگم کردن- حیرت زده کردن  
 Perplex مزایای علاوه بر حقوق  
 Perquisite دائماً تهدید واذیت کردن  
 Persecute زجر- شکنجه- ازار دائم  
 Persecution پافشاری کردن- ایستادگی کردن  
 Persist مصرانه- با پشتکار  
 Persistent چشم انداز  
 Perspective بران داشتن - ترغیب کردن  
 Persuade بدبینی  
 Pessimism آفت(کشاورزی)- مزاحم (آدم کنه)  
 Pest حشره کش- آفت کش  
 Pesticide سوراخ کردن- نفوذ کردن  
 Pierce کبوتر- دختر شایسته  
 Pigeon

Pillar ستون- پایه- اساس- رکن  
 Pine کاج- صنوبر  
 Pioneer پیشگام- پیشگام شدن  
 Placard پلاکارد  
 Plea تقاضای شدید – استدعا- پاسخ دعوی  
 Pledge متعهد شدن- وثیقه گذاشتن  
 Plot دسیسه- دسیسه چیدن- قطعه زمین- ترسیم  
 Plough شخم زدن- کن فیکون کردن  
 Plunge ناگهان غوطه ور شدن- شیرجه رفتن  
 Plunge پمپ لاستیکی باز کردن راه فاضلاب حمام  
 (Take the plunge)  
 تصمیم به انجام کاری دشوار و پرریسک گرفتن  
 Pneumatic بادی - هوایی  
 Pneumonia سینه پهلو  
 Pointless بی معنی- بیهوده- بیجا  
 Pollinate گرده افشانی کردن  
 Pollute آلوده کردن – نجس کردن  
 Ponder سنجیدن- تعمق کردن  
 Popular عموم پسند  
 Population جمعیت – نفوس – سکنه  
 Pore منفذ- با دقت دیدن- با دقت مطالعه کردن  
 Possess مالک بودن- در تصرف داشتن  
 Possible ممکن  
 Postpone به تعویق انداختن  
 Potable قابل شرب  
 Potential بالقوه – ظرفیت  
 Pour ریختن- شاریدن- جاری شدن  
 Poverty فقر- بینوایی  
 Praise ستودن- ستایش  
 Paralysis فلج- از کار افتادگی  
 Precaution احتیاط  
 (Take precaution) احتیاط کردن  
 Predator حیوان شکارچی  
 Proceed پیش رفتن – حرکت به جلو کردن  
 Projectile پرتابه – موشک  
 Precede مقدم بودن- جلوی کسی در آمدن  
 Précis چکیده مطالب  
 Precise دقیق  
 Precisely دقیقاً  
 Predict پیش بینی کردن- پیشگویی کردن  
 Predispose مستعد چیزی کردن  
 Predominant برتر- غالب- مسلط  
 Primate راسته پستانداران نخستین- اسقف اعظم  
 Prejudice غرض- غرض ورزی  
 Prejudice against تعصب منفی- غرض  
 Prejudice in favor of تعصب مثبت- حمایت  
 Premise اساس منطق- پایه استدلال قرار دادن  
 Preoccupied گرفتار- پرمشغله در موردی  
 Preposition حروف اضافه در گرامر  
 استقرار در محل از پیش تعیین شده  
 Preserve محافظت کردن- باقی نگه داشتن  
 Preserves کنسرو میوه جات

Prevail غالب شدن- برتر شدن  
 Prevalent رایج- متداول  
 Prior پیشین  
 Prior to قبل از- مقدم بر  
 Priority اولویت  
 Primitive باستانی  
 Probe بررسی- کاوش- کاوش کردن  
 Prodigious بطور شگفت انگیزی با عظمت  
 Profound ژرف - عمیق  
 Prohibit ممنوع- حرام- ممنوع کردن  
 Prominent برجسته- والا- مهم  
 Promotion ترفیع – ارتقا  
 Promote ارتقا دادن- بالا بردن  
 Prompt سریع- برانگیختن- به فعالیت وا داشتن  
 Proportion تناسب  
 Proportionate متناسب- متناسب کردن  
 Proposition پیشنهاد- قضیه  
 دعوت به سکس کردن  
 Prosecute تحت پیگرد قانونی قرار دادن  
 Prostitute فاحشه- فاحشه گری کردن  
 Prosper رونق پیدا کردن  
 Prosperity موفقیت- کامیابی  
 Protest اعتراض عمومی (کردن- اسم و فعل)  
 بر صحت چیزی تاکید کردن  
 Protrude برآمده شدن  
 Protruding برآمده  
 Provenance سرمنشاء- سرچشمه  
 Provoke برانگیختن- خشمگین کردن  
 Proximity همسایگی- مجاورت  
 Proxy وکالت- نمایندگی- وکالتنامه  
 Pseudo ساختگی- دروغین  
 Psychiatric روانپزشکی  
 Punctuate قطع کردن حرف یا کار کسی  
 نقطه گذاری کردن  
 Punish تنبیه کردن- مجازات کردن  
 Punishing تضعیف کننده- نا امید کننده  
 Pupate شفیره شدن  
 Pursue پیگیری کردن- دنبال کردن  
 تحت تعقیب قرار دادن  
 Puff فوت- فوت کردن- پف- پف کردن  
 Pyrites پیریت- سنگ نور  
 Pyro پیشوند آتش و گرما

## Q

Qualify احراز صلاحیت کردن  
 Quality کیفیت  
 Quantity کمیت- مقدار  
 Quarter ربع – اقامتگاه  
 Quarrel دعوا- نزاع- دعوا کردن  
 دعوا را اول شروع کردن (Pick a quarrel)

Quench فرو نشاندن  
 Quest جستجو کردن- پژوهش  
 Queue صف- صف بستن- در نوبت بودن  
 Quota سهمیه- سهمیه تعیین شده توسط دولت  
 Quote نقل قول کردن- قیمت دادن

## R

Radical ریشه- اصل- بنیاد گرا- افراط گرا  
 Raft قایق با الوار- کلاک  
 Rage خشم شدید- شدیداً خشمگین شدن- طغیان  
 همه پسند (All the rage)  
 Rally اجتماع کردن- راهپیمایی  
 Rape تجاوز جنسی کردن- زنا به عنف  
 Rapid سریع  
 Rarely به ندرت  
 Rash عجل و بی احتیاط- جوش دانه  
 بی در پی (A rash of ...)  
 Rationale اساس منطق عقیده  
 Rational خردمند- عاقل  
 Rationality عقلانیت- خردپذیری  
 Rather بیشتر- ترجیح داشتن  
 Rave با جنجال صحبت کردن- اکس پارته  
 Recede پس رفتن- عقب کشیدن- دور شدن  
 Recite با صدای بلند خواندن یا گفتن  
 Receipt رسید  
 Recent اخیر  
 Recession رکود اقتصادی – پس رفت  
 Reckless بی ملاحظه – بی پروا  
 Recline لم دادن  
 Recruit آماده به خدمت- نیروی تازه گرفتن  
 Redeem وجهه دوباره کسب کردن  
 از گرو در آوردن- فک رهن کردن  
 Redundancy زایدی- بیش از نیازی  
 زاید- زایدی  
 Refer اشاره کردن- ارجاع دادن  
 Reform اصلاح کردن- بهسازی کردن  
 Refrain امتناع کردن- تکیه کلام- شاه بیت  
 شدید- سخت  
 Rigorous Rigorous  
 Rehabilitate اعاده حیثیت کردن- احیا کردن  
 Reject رد کردن- نپذیرفتن  
 Relate مربوط بودن- بازگو کردن  
 Relentless شخص بی رحم- چیز بی پایان  
 Relics بقایا- آثار (باستانی)  
 Relieve خلاص کردن- آسوده کردن از  
 Reluctant بی میل  
 Rely اتکا کردن- اعتماد کردن  
 Remain باقی ماندن  
 Remarkable جالب توجه  
 Render ارائه دادن- تحویل دادن  
 شدن- تغییر یافتن (Be rendered)  
 Repel دفع کردن- نپذیرفتن



Repetition تکرار  
 Reptile حیوان خزنده  
 Repute معروف بودن به  
 Resent منزعج شدن از-رنجیدن از-اظهار انزجار کردن  
 Resemble شباهت داشتن به  
 Resign استعفا دادن  
 (Resign yourself) کنار آمدن با چیزی  
 Residual باقی ماده – پسماند  
 Resist مقاومت کردن  
 Resound منعکس کردن صدا  
 برسر زبانها افتادن  
 Resolve حل کردن یا شدن-تصمیم گرفتن  
 Resolution حل تصمیم-قطعنامه  
 Respond پاسخ دادن  
 Rest استراحت-استراحت کردن-باقیمانده  
 Resume از سر گرفتن-حاصل و نتیجه  
 Retain نگه داشتن-حفظ کردن  
 Retard کند کردن-به تاخیر انداختن  
 Retail نگه داشتن-ابفا کردن  
 Retina شبکیه  
 Reveal فاش کردن-نمایان کردن  
 Revise بازبینی-تجدید نظر کردن  
 Rheumatoid روماتیسمی  
 Ridiculous مضحک-مسخره آمیز  
 Riddle معما-چیستان-سوراخ سوراخ کردن  
 Ritual تشریفات-مراسم تشریفات  
 Rival رقیب-حریف-رقابت کردن-نظیر  
 Roam پرسه زدن  
 Roster فهرست افراد  
 Rude خشن-خام-گستاخ  
 Rumble با صدای بلند و غرش حرکت کردن  
 Rural روستایی  
 Rush به سرعت عبور کردن  
 Ruin از بین بردن-خراب کردن  
 ویرانی

## S

Saber شمشیر-شمشیر زدن  
 Sacred مقدس-چیزی که نشود از آن انتقاد کرد  
 Sag شکم دادن-خم شدن-گودی  
 Sausage سوسیس  
 Scald با مایع داغ سوزاندن-تاول  
 Scarce نادر-کمیاب  
 Scatter پراکندن-پاشیدن  
 Scholar پژوهشگر-عالم-دانشور-شاگرد ممتاز  
 Scramble با شتاب رفتن-تقلا کردن  
 Scrap قراضه-ته مانده اضافی غذا  
 دور ریختن چیز اضافی  
 Scorch بطور سطحی سوختن-سوزاندن-تاول  
 Scowl اخم کردن – اخم

Scour جستجوی گسترده و کامل کردن  
 شستن-آب شستگی ایجاد کردن  
 Scourge گوشمالی-غضب خداوند-بلا  
 Scrub سابیدن و تمیز کردن-درخت خشک  
 Sculpture مجسمه سازی  
 Security امنیت-حفاظت (اطلاعات)  
 Secrete ترشح کردن-پنهان کردن  
 Secret مخفی-پنهان-سری  
 Sensitive حساس  
 Sentence جمله-حکم مجازت-محکوم کردن  
 Severity سخت گیری-سختی-خشونت  
 Shriek فریاد زدن-جیغ زدن-جیغ  
 Shrill صدای خیلی زیر و آزار دهنده  
 Shoulder شانه – بر دوش کشیدن  
 Shuffle حرکاتی از روی بیقراری کردن  
 بر زدن کارتها-سلانه سلانه رفتن  
 Signify معنی دادن-حاکمی بودن از-دلالت بر  
 Sift الک کردن-خوب و ارسی کردن  
 Sinew زرد پی  
 Sinister نحس-شیطانی – فاسد  
 Site مقرر-موضع – مستقر شدن  
 Sight بینایی-بینش-دیدن-رصد کردن  
 Significance اهمیت-معنی  
 Skew کجی-انحراف (هر چیزی) تحریف  
 کردن  
 Skim کف گرفتن-بطور سطحی خواندن  
 Sky scraper آسمانخراش  
 Slender لاغر-ضعیف (هر چیزی)  
 Slogan شعار  
 Slum محله فقیر نشین-گدا محله  
 Smash شکستن-خورد کردن  
 Smother خفه کردن (هر چیزی آتش-آدم ...)  
 محبت و توجه بیش از حد که طرف کلافه بشه  
 از درون سوختن بدون شعله  
 Smolder با تمسخر بیان کردن-استهزا-نیشخند  
 Sneer عطسه-عطسه کردن  
 Sneeze با بی اعتنائی عمدی حال کسی را گرفتن  
 Snub بالا رفتن-افزایش یافتن-بلند پروازی  
 Soar تنها – منزوی – گوشه گیر  
 Solitary تسکین دادن-دلجویی کردن-آرام کردن  
 Soothe خبره-ماهر-پیشرفته  
 Sophisticated منبع – منشأ-سرچشمه  
 Source تماشایی  
 Spectacular نمونه-نمونه ها  
 Species باریکه چوب یا فلز  
 Splint از بین بردن-غارت کردن  
 Spoil اسفنج-با اسفنج نم چیزی را گرفتن  
 Sponge تیغ زدن پول از کسی  
 Sponge on/off خود به خود-بی اختیار  
 Spontaneous همسر  
 Spouse گله گشاد نشستن-پخش و پلا شدن  
 Sprawl هرزه روییدن

Squeeze فشردن-چلانیدن  
 Squander اسراف کردن-به بد دادن-ولخرجی  
 Stagnate راکد شدن-از پویایی ایستادن  
 Stake تیرک یا ستون چوبی-شرط بستن  
 Stammer لکنت-لکنت پیدا کردن  
 Starchy نشاسته دار  
 Stash برای روز مبادا ذخیره کردن  
 Stationary بی حرکت-ساکن  
 Stimulant محرک-مشوق  
 Stimulate تحریک کردن-برانگیختن  
 Stilt چوب زیر بغل  
 Stout محکم-قوی (هر چیزی)-چاق  
 Straggle متفرق شدن-سرگردان شدن  
 Strangeness بیگانگی  
 Stranger غریب-غریبه-بیگانه با موضوعی  
 Strict سخت-سخت گیر-سخت گیرانه  
 Strike ضربه زدن-حمله کردن-اعتصاب کردن  
 Strip لخت کردن-پاکسازی کردن نظامی  
 Stroke ضربه مغزی  
 Struggle تقلا کردن-کشمکش  
 Stuck گیر کردن-گیر افتادن  
 Subliminally ناخودآگاهانه-ناهییارانه  
 Subordinate زیر دست-کم اهمیت تر  
 کمتر اهمیت دادن به چیزی  
 Subsequent بعدی-متعاقب-پیامد  
 Subside فروکش کردن  
 Subsidize یارانه دادن از طرف دولت  
 Substance جنس-ماده اصلی  
 Substantial قابل توجه-محکم و اساسی  
 Subterranean زیرزمینی  
 Subtle ظریف-پیچیده – رند و زیرک  
 Subtropical هم مرز نواحی استوایی  
 Suburb حومه-محله اطراف شهر  
 Succumb تسلیم شدن-سر فرود آوردن  
 Successive پی در پی  
 Summit قله کوه-جلسه مهم بزرگان  
 Superb عالی-بسیار خوب-با شکوه  
 Surpass پیشی گرفتن از  
 Surplus مازاد – زیادی  
 Survive زنده ماندن – باقی ماندن-دوام آوردن  
 Susceptible مشکوک – شک بر انگیز  
 Suspect پنداشتن-گمان کردن-مشکوک شدن  
 Sustain تاب آوردن-ثابت ماندن  
 Swarm گروه-گروهی رفتن  
 گروهی پرواز کردن حشرات  
 Symbol علامت-نشانه-سمبل  
 Sympathetic دلسوز-شفیق-همدرد  
 Synchronize همزمان کردن  
 Symmetric متقارن

## T

Tact نزاکت- رفتاري که کسی را ناراحت نکند  
 Tail دم - دنباله  
 Tangible قابل لمس- ملموس  
 Taper باریک شدن- پخ زدن  
 Taper off کم کم به پایان رسیدن  
 Temperate معتدل - میانه رو  
 Tempest توفان- هیجان -توفانی شدن  
 Tempest in a teapot هیجان زیاد برای چیز کم اهمیت  
 Temp منشی پاره وقت- موقت  
 Temper ملایم کردن  
 شدیداً عصبانی بودن (Be in a temper)  
 شدیداً عصبانی شدن (Lose one's temper)  
 Temptation وسوسه  
 Tend گراییدن- مراقبت کردن از  
 Tendency گرایش- تمایل  
 Tendon زرد پی  
 Tent چادر  
 (Pitch a tent) چادر زدن  
 Terrify وحشت زده کردن  
 Testify شهادت دادن گواهی دادن تصدیق کردن  
 Testimony گواهی- شهادت  
 Tip نوک- نوک چیزی را پوشاندن  
 Thatch کاه پوش کردن سقف  
 Theory تئوری - نظریه  
 Thistle خار- بوته خار- کنگر  
 Thorough کامل- تمام- آدم کامل (جا افتاده)  
 Thorn خار- تیغ  
 Thorny خاردار- پر دردرس  
 Threat تهدید - تهدید کردن  
 Threaten تهدید کردن  
 Thrifty مقتصد- صرفه جو  
 Thrive رونق داشتن- کامیاب بودن  
 Thrust فروکردن- منظور- بزور چپاندن  
 Tinder خاشاک - آتش زنه  
 Tramp ولگرد- پیاده و آرام عبور کردن  
 Tremendous عظیم- مهیب- مقدار زیاد  
 Trust اعتماد کردن- توکل کردن  
 To and fro پس و پیش  
 Toil از کار پرزحمت رنج کشیدن  
 Tome کتاب چند جلدی سنگین  
 Topic موضوع - مبحث  
 Torment شکنجه- عذاب دادن- شکنجه دادن  
 Torrent سیل- سیلاب  
 Toxic سمی-مسموم  
 Townscape چشم انداز شهر  
 Tradition سنت- رسم- حدیث متواتر  
 Tragedy مصیبت- اتفاق بسیار غم انگیز  
 Traitor خائن  
 Transcribe به خط یا شکل دیگر برگرداندن  
 رونوشت برداشتن  
 Transmit انتقال دادن- فرستادن- مخابره کردن

انتقال دادن- انتقال (همه چی) Transfer  
 عبور- عبور کردن Transit  
 حمل کردن- وسیله نقلیه Transport  
 نور گذر- پشت نما - شفاف Transparent  
 آرام- آسوده Tranquil  
 آسایش خاطر Tranquility  
 تبار- قبیله- عشیره Tribe  
 دشوار- مستلزم دقت زیاد Tricky  
 ناچیز- کم اهمیت Trifle  
 بازیچه قرار دادن Trifle with  
 ماشه- راه انداختن- چکاندن Trigger  
 کم اهمیت- ناچیز Trivial  
 غوغا- جنجال- آشوب کردن Tumult  
 نمونه- نمونه بارز Typical  
 حاکم مستبد- دیکتاتور Tyrant  
 تحریف کردن - پیچاندن Twist

## U

عادت نداشتن به (Be Unaccustomed to)  
 هم رای- متفق القول Unanimous  
 بی غرض- بدون تبعیض Unbiased  
 تسخیر ناپذیر- شکست ناپذیر Unconquerable  
 انکار ناپذیر Undeniable  
 بازنده-شست خورده-توسری خور Underdog  
 کمتر از واقع ارزیابی کردن Underestimate  
 موجود سوء تغذیه Undernourished  
 بدون شك Undoubtedly  
 نمایان کردن-آفتابی کردن-کشف کردن Unearth  
 مضطرب- بی قرار Uneasy  
 بی حادثه- بدون رویداد مهم Uneventful  
 پیش بینی شده Unforeseen  
 متحد کردن- یکی کردن Unify  
 بی نظیر Unique  
 متحد کردن- یکی کردن Unite  
 سرکش-متمرد- مویی که حالت نمیگیرد Unruly  
 بی ثبات- متزلزل- ناپایدار Unstable  
 نامرتب- در هم بر هم Untidy  
 غافل- بی خبر Unwitting  
 نا خواسته Unwittingly  
 روکش نرم مبلمان Upholstery  
 شهری Urban  
 فوری - اورژانسی Urgent  
 لوازم آشپزخانه- وسیله Utensil  
 مفید فایده- مفید اساسی Utilitarian  
 بکار بردن- استفاده کردن Utilize  
 گفتن- اداکردن- مطلق-حداعلافاش کردن Utter

## V

Vacant خالی

واکسن زدن Vaccinate  
 مبهم - سر بسته Vague  
 شجاعانه - شجاع Valiant  
 بیهوده- بی فایده- مغرور Vain  
 معتبر Valid  
 شجاعت- ارزش شخصی و اجتماعی Valor  
 کسی که وسایل عمومی را خراب میکند Vandal  
 ناپدید شدن- غیب شدن Vanish  
 بخار-بخیر شدن یا کردن-چاخان کردن Vapor  
 متنوع Variety  
 وسیع - بیکران - پهناور Vast  
 حجاب- چادر- پوشش- پنهان کردن Veil  
 (Draw a veil over ...)  
 صرف نظر از صحبت در مورد چیز خجالت آور  
 رگ - رگه Vein  
 مقاریتی - آمیزشی Venereal  
 تهویه کردن Ventilate  
 ریسک کردن- کار پر ریسک- جرات Venture  
 رای- قضاوت- قضاوت دادگاه Verdict  
 صحت و سقم چیزی را بررسی کردن Verify  
 بومی- زبان بومی- زبان مادری Vernacular  
 حیوانات موذی Vermin  
 وسیله چند کاره- همه فن حریف Versatile  
 شعر- شعر گفتن Verse  
 مهره داران Vertebrate  
 عمودی - قائم Vertical  
 کشتی- رگ- لوله Vessel  
 جلیقه- واگذار کردن Vest  
 دامپزشکی Veterinary  
 زیست پذیری- دوام- امکانپذیری Viability  
 مجاورت - همسایگی Vicinity  
 شرور- تبهار- باطل Vicious  
 سیر باطل Vicious circle  
 قربانی- طعمه Victim  
 پیروز - فاتح Victorious  
 قدرت- توان Vigor  
 آدم پست- نقش منفی- شرور Villain  
 شدید- تند (مثلاً رنگ) - خشن Violent  
 خشونت Violence  
 تقوا- پاکدامنی- عفت Virtue  
 به دلیل- به خاطر (By virtue of)  
 واقعی Virtual  
 واقعاً- عملاً- کامیاب Virtually  
 در مقایسه با- در مقابل Vis-à-vis  
 قابل رویت Visible  
 بینایی - بصیرت Vision  
 حیاتی - سرشار از زندگی Vital  
 شغل Vocation  
 تعطیلات Vacation  
 داوطلب Volunteer  
 آسیب پذیر Vulnerable

## W

Wad توده (مثلا کاغذ)  
 (Shot his wad) تمام پولش را خرج کردن  
 Wake بیدار نگه داشتن- بیداری  
 (In the wake of) در اثر- در نتیجه  
 Wage دستمزد  
 Wager شرط بستن – شرط بندی کننده  
 Wail شیون کردن- شیون  
 Warden نگهبان- بازرس  
 Wary محتاط  
 Warily محتاطانه  
 Wasp زنبور (بی عسل)  
 Wealthy ثروتمند- توانگر  
 Wean از شیر گرفتن  
 Wean off ترک دادن عادت بد  
 Weary of خسته از- بیزار از  
 Weary خیلی خسته  
 Weed علف هرز- رفع کردن چیز هرز  
 Weed out دور ریختن چیزهای اضافی  
 از شر چیزهای اضافی بی مصرف خلاص شدن  
 Weird خارق العاده- عجیب  
 Welfare آسایش- رفاه- کمک دولت به فقرا  
 Wicked بد جنس- تبهکار- بدجنسی جالب  
 Wharf اسکله  
 Whirling چرخاندن سریع- چرخش  
 Whistle سوت- سوت کشیدن- سوت زدن  
 Wholesale عمده فروشی- عمده فرختن  
 Witty بذله گو- شوخ طبع  
 Wobble وول خوردن – لنگ زدن چرخ  
 Womb رحم  
 Wrath خشم زیاد  
 Wretched رنجور- بدبخت- تاسف آور  
 Wrecked شکسته- کشتی شکسته

## Y

Yield تسلیم شدن- تسلیم کردن  
 محصول محصول دادن- محصول